

جنبش کارگری کردستان گامی مهم در راستای هدفی بزرگ

حسن رحمان پناه

ازبدو سرکار آمدن جمهوری اسلامی بعنوان رژیم سرمایه داران ، مبارزه میان کارگران و رژیم به وسعت ایران بر سر خواستها و مطالبات طبقاتی در جریان بوده است . مبارزه بر سر قانون کار و تغییر و تعدیل های مختلف در آن و مبارزه بر سر چگونگی برگزاری اول ماه مه روز جهانی کارگر بخش تعطیل ناپذیر این مبارزه را شامل میشود .

مراسم روز جهانی کارگر به جز بهار سال ۵۸ که رژیم اسلامی هنوز تثبیت نشده بود و کارگران اجتماعات خود را آزادانه برگزار کردند، در سالهای بعد تجمعات اول ماه مه به اشکال مختلف با ممانعت و ضدیت رژیم روبرو شد . بعد از ترور مطهری یکی از آخوندهای رژیم در ۱۲ اردیبهشت ۵۸ جمهوری اسلامی سعی نمود این روز را بعنوان روز کارگر در ایران جا بیندازد تا از یک طرف روز جهانی کارگر که اول ماه مه است را از محتوای طبقاتی و جهانی آن تهی سازد و از طرف دیگر رنگ و بوی مذهبی و خرافی به آن بدهد و کارگران را وادار کند به جای طرح خواستها و مطالبات طبقاتی و مبارزاتی خود به نوحه خوانی و عذاداری بپردازند . اما طبقه کارگر ایران زیربار این ترفند و سیاست ضدکارگری رژیم اسلامی نرفت و خواستار برگزاری اول ماه مه روز جهانی کارگر همگام و همزمان در سراسر جهان بوده است .

در طول حاکمیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی برگزاری این روز برای کارگران در گوشه و کنار ایران به آمادگی و توازن قوا میان کارگران و رژیم بستگی داشته است .

در کردستان به دلیل وجود جنبشی عادلانه و حق طلب و نفوذ و قدرت اجتماعی جریان سوسیالیست و کارگری که در کومه له تبلور یافته ، برگزاری مراسم اول ماه مه به یک سنت کارگری از اوایل قیام ۵۸ تا به حال تبدیل شده است . این سنت کارگری - جهانی به اشکال گوناگون از جمله مراسم علنی اول ماه مه سنندج در سالهای ۶۷ و ۶۸ و یا برخی مراسم در

شهر سقز و یا برگزاری دهها تجمع و گردهمایی در جمع‌های کوچک و بزرگ به دور از انتظار نیروهای سرکوبگر اسلامی در دامان کوهها، کنار رودخانه‌ها و باغات و در مناطق مختلف هر ساله برگزار شده است. جمال چراغ‌ویسی سخنان اول ماه مه سنندج اولین سخنان کارگری در دهه اخیر بود که به جرم سخنرانی در روز کارگر توسط جمهوری جنایتکار اسلامی اعدام شد. اعدام جمال یادآور اعدام سخنرانان و سازماندهندگان اول ماه مه شیکاگو در سال ۱۹۸۶ میلادی بود که توسط پلیس امریکا گلوله باران شدند.

بعد سرکوب مراسمهای اول ماه مه سنندج، در سالهای اخیر نیز کارگران کردستان برای برگزاری مراسم مستقل خود اقدام کردند. از جمله سال گذشته کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه از کارگران شش شهر کردستان تشکیل شد و اطلاعیه و قطعنامه‌ای هم بمناسبت این روز منتشر کردند و چندین تجمع کارگری نیز بدون اطلاع نیروهای سرکوبگر اسلامی برگزار شد.

اقدام کارگران برای برگزاری مراسم مستقل کارگری و ممانعت رژیم

امسال نیز کارگران کردستان در شهرهای مختلف بخصوص سنندج و سقز برای برگزاری علنی مراسم روز کارگر بدون حضور و دخالت نهادهای اداری و حکومتی رژیم اقدام کردند. اما هرگونه تلاش آنها با سد و موانع قانونی و مخالفت اداره کار و دیگر نهادهای رژیم روبرو شد. مقامات رژیم از کارگران خواستند که چنین مراسمی باید کنترل شده باشند، مضمون و محتوای مطالبات و سخنرانی‌ها قبلاً به اطلاع مسئولین رژیم رسیده و مورد توافق آنان باشد، نمایندگان خانه کارگر و فرمانداری در این مراسم شرکت و جزو افراد اولیه سخنران باشند و مسئولین جمهوری اسلامی عملاً امکان برگزاری مراسم مستقل کارگری را از کارگران سلب کردند. واضح بود که کارگران کردستان نمی‌توانستند با قید و شرط‌های مقامات جمهوری اسلامی موافقت کنند. زیرا در آن صورت آنچه برگزار می‌شد نه مراسم کارگری بلکه مراسم جمهوری اسلامی علیه کارگران می‌بود.

در شهر سقز فعالین کارگری بعد از ناامید شدن از برگزاری مراسم علنی با مجوز قانونی، در

صد برگزاری مراسم مستقل کارگری بدون دخالت رژیم برآمدند. سازماندهندگان اول ماه مه امسال، پارک کودک را برای برگزاری مراسم روز کارگر انتخاب کردند. بعد از ظهر اول ماه مه در حالیکه کارگران همراه خانواده‌هایشان به طرف پارک کودک در حرکت بودند محل گردهمایی خود را در محاصره نیروهای رژیم دیدند. کارگران بلافاصله کوچه نزدیک پارک کودک را برای برگزاری مراسم خود برگزیدند و با سردادن اولین شعار "زنده باد کارگران و زنده باد اول ماه مه" مورد یورش وحشیانه اوباش اسلامی قرار گرفتند. مزدوران جمهوری اسلامی ضمن ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه مه پنجاه تن از شرکت‌کنندگان در آن اجتماع کارگری را دستگیر و ضمن ضرب و شتم آنان روانه زندانشان کردند. شب شنبه و صبح یکشنبه به غیر از ۷ نفر بقیه دستگیرشدگان را آزاد و غروب همان روز، هفت نفر باقی‌مانده را به زندان سنندج منتقل کردند.

مقاومت دستگیرشدگان و اتحاد برای آزادی آنان

خبر دستگیری شش تن از فعالین کارگری سقز و بوکان و محسن حکیمی فعال کارگری و عضو کانون نویسندگان ایران و سخنران اول ماه مه سال گذشته کارگران کرج که دو روز قبل یعنی پنج‌شنبه دهم اردیبهشت مترجم محمود صالحی در ملاقات با هیئت کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد بود، بلافاصله در داخل و خارج کشور ابعاد و انعکاس وسیع و همه‌جانبه‌ای یافت. انعکاس خبر دستگیری این هفت تن موجی از اعلام همبستگی مبارزاتی و طبقاتی با آنان و همدری با خانواده‌هایشان را بوجود آورد که در اقدام هماهنگ و دستجمعی برای آزادی دستگیرشدگان در اشکال مختلف به جریان افتاد. تماس با سازمانها و نهادهای کارگری و احزاب و سازمانهای مترقی و انساندوست، برگزاری تظاهرات اعتراضی، مصاحبه با رادیوهای مختلف در مورد دستگیریها، تهیه تومار دستجمعی و برگزاری مکرر بحث و جلسات مختلف پیرامون وضعیت دستگیرشدگان و مشورت و رایزنی برای فعالیت مشترک و آزادی آنان، ایجاد انواع کمیته‌ها و نهادهای حمایتی و ... بخشی از اقدامات صورت گرفته برای آزادی دستگیرشدگان بود. این اقدامات باعث فشار همه‌جانبه به جمهوری اسلامی گردید و ابعاد وسیع جهانی به دستگیری‌های

سقز داد و رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی از هر سو مورد فشار افکار عمومی مترقی قرار گرفت . این فشارها نه فشار آمریکا و دیگر کشورهای غربی برای خودتطبیقی جمهوری اسلامی با سیاست ها و پروژه های آنان ، بلکه فشار میلیون ها انسان آزادیخواه و مترقی بود که در اشکال گوناگون در سطح جهانی در مقابل آمریکا و سیاست های توسعه طلبانه آن و رژیم های وابسته و یا به ظاهر سرکش مبارزه میکنند . این مبارزه و اتحاد موفقیت آمیز بدون کوچکترین زیانی برای جامعه بشری و با کسب دست آوردهای فراوان به ثمر نشست که محصول آن آزادی بدون قید و شرط دستگیر شدگان اول ماه مه سقز ، ایجاد و تقویت روحیه مبارزاتی و طبقاتی در میان همه انسان های درگیر در این ماجرا و پیروزی برای جنبش کارگری ایران و کردستان و شکست و عقب نشینی برای رژیم اسلامی بود .

استقامت دستگیر شدگان و روحیه بالای همسران و خانواده های آنان

دستگیر شدگان بعد از دستگیری در اعتراض به رفتار غیرانسانی سردمداران حکومت اسلامی و بازداشت نامشروع خود اقدام به اعتصاب غذا کردند . شکی نبود که اعتصاب غذای دستگیرشدگان جسم و روح آنان را در نبرد عادلانه و انسانی آنها با رژیم هار و ددمنش اسلامی هرز میبرد و به آنان زیان میرساند و خود آنها و تمام کسانی که برای آزادی آنان فعالیت میکردند به این واقعیت آگاه و نگران سرنوشت اعتصابیون بودند . اما اعتصاب در زندان ها سنتی دیرینه و توسط زندانیان سیاسی برای نشان دادن ستم و بیدادگری نظام حاکم و زندانبانان آن همیشه وجود داشته است . آنچه در این میان قابل نقد است برخورد و موضعگیری کسانی است که اقدام دستگیرشدگان برای اعتصاب غذا را تقبیح و این روش از اعتراض و مبارزه را با دیگر شیوه های مبارزه که در جریان بوده غیرمردن و ناخوانا قلمداد میکنند . علی رغم نگرانی تمام فعالین و مدافعین آزادی دستگیرشدگان سقز و خانواده های آنان، اما باید به روحیه مقاوم و شکست ناپذیر آنان در دست زدن به اعتصاب غذا و در شرایط مناسب پایان دادن به آن و قبول نکردن شرط و شروط سران رژیم از جمله قرار وثیقه چند صد میلیون تومانی برای آزادی از زندان با دیدی تحسین برانگیز

نگریست و از مقاومت و از خودگذشتگی آنان درس آموخت و به اراده و تصمیم آگاهانه آنان در مدت دستگیری ارج نهاد .

لازم است دوازده روزی را که این عزیزان در زندان و میلیونها انسان دیگر در داخل و خارج کشور همدل و همگام با آنان برای پیروزی نبرد کردند بعنوان برگ زرینی از تاریخ مبارزات طبقه کارگران کردستان و ایران نوشته شود و آن روحیه و همبستگی طبقاتی و مبارزاتی را دستمایه همکاری و فعالیت مشترک تمام مدافعین واقعی جنبش کارگری در نبرد پیش رو برای رهایی نهایی قرار داد.

مبارزه و مقاومت همسر، فرزندان و خانواده دستگیرشدگان و کمک آنان به اطلاع رسانی درست و بموقع به افکار عمومی از سرنوشت بازداشت شدگان ، استقامت آنان در برابر خانه گردی، ربودن اموال شخصی خود و همسرانشان، تحمل بیحرمتی و توهین و کتک کاری مزدوران اسلامی ، پخش نامه های اعتراضی در سایتهای اینترنتی و دیگر کانالهای اطلاع رسانی عمومی خطاب به نهادهای بین المللی ، کارگری و انساندوست و کل فداکاریهای آنان همراه با دلهره و نگرانی از سرنوشت همسران خود، موجی از همدلی و همبستگی مبارزاتی و انسانی را با آنان و همسران دربندشان در داخل و خارج کشور بوجود آورد که خدمت ارزشمندی به جنبش کارگری و رهایی دستگیر شدگان سقز بود . این روحیه و شیوه از مبارزه زنان را بعنوان بخشی از سنت ارزنده مبارزه کارگری باید تقویت و پاس داشت . حمایت بی دریغ مردم مبارز شهر سقز از فرزندان دستگیرشده خود ، همکاری و همدردی با همسران و خانواده آنان و استقبال پرشور از زندانیان آزاد شده ، گوشه های کوچکی از انزجار مردم جان به لب رسیده از جمهوری اسلامی و قدردانی از زحمات مبارزین خستگی ناپذیر و مژده بخش پیروزیهای بزرگتر در آینده خواهد بود .

دستگیری کارگران سقز و سکوت ناسیونالیسم کرد

در جریان دستگیریهای اخیر شهر سقز جریانات ناسیونالیست کرد و مدافعین جبهه اصلاح طلب در داخل و خارج کشور نسبت به این تعرض و وحشیگری آشکار جمهوری اسلامی علیه بخشی از

شریف‌ترین انسانهای جامعه سکوت کردند و یا برخی از آنان در بهترین حالت اطلاعیه‌های را در سایت‌های خود گذاشتند. این امر تصادفی نبود بلکه آگاهانه و از سر نامربوط بودن سیاست و برنامه آنها به خواست‌ها و مطالبات کارگران در کردستان است و رویاهای جبهه فراطبقاتی آنان را نقش بر آب میکند. مبارزه و جنبش مستقل کارگران نشان میدهد که جامعه کردستان هم همچون هر جامعه طبقاتی دیگر متشکل از طبقات و گرایش‌های مختلف و به طبع آن احزاب و سازمانهای مختلف سیاسی و طبقاتی است و انکار این واقعیات دردی از جریانات ناسیونالیست درمان نخواهد کرد. البته باید اذعان کرد که آنها نسبت به جنبش طبقه کارگر کردستان بی‌موضع نبوده‌اند. از انکار وجود کارگران بعنوان یک طبقه واحد با خواست و مطالبات خود تا پرونده‌سازی برای کارگران که چرا علنی و به اسم خود نامه و مطلب پخش میکنند که چند هفته قبل از دستگیری فعالین کارگری شهر سقز در سایت یکی از این جریانات علیه محمود صالحی و دوستانش پخش شد همگی بیانگر موضع این جریان نسبت به جنبش کارگری کردستان است. بی‌تردید فعالین کارگری و جنبش آگاه و طبقاتی کارگران هم نسبت به این احزاب بی‌موضع نبوده و به اشکال مختلف جواب چنین احزابی را داده‌اند.

اکنون مناسبترین جواب به چنین احزابی تقویت جنبش مستقل کارگری، اتکا به نیروی خودآگاه خویش و سازمانیابی در تشکلات توده‌ای و حزبی است.

ناکام ماندن جمهوری اسلامی در دستگیریهای اخیر و پیروزی کارگران

جمهوری اسلامی فعالین کارگری در شهر سقز را به منظور زهرچشم گرفتن از آنان و دیگر فعالین کارگری و انسان‌های آزادیخواه دیگر دستگیر کرد تا به خیال خام خود با ایجاد جو رعب و وحشت فضای استبداد و دیکتاتوری خود را بر جامعه و جنبش کارگری و جنبش انقلابی کردستان که حرکت اخیر کارگری در این منطقه روی داده بود حاکم کند.

سران جمهوری اسلامی با فرمان کشتار کارگران خاتون‌آباد و فتوای خامنه‌ای در ممنوعیت اعتصاب کارگری تصور میکردند با ممانعت از مراسم مستقل کارگری و برهم زدن مراسم اول

ماه مه سقز و دستگیری رهبران و فعالین کارگری در این شهر مانع تحرکات کارگری خواهند شد و میخ استبداد مذهبی خود را مستحکم تر خواهند کرد. اما به دلیل فضای سیاسی کنونی که تغییر ملموس و آشکاری با گذشته کرده و توازن قوا میان مردم و حکومت به نفع مردم زجرکشیده تغییر یافته است و به یمن ارتباطات و استفاده از امکانات اطلاع رسانی که دیوار ضخیم سانسور اسلامی را شکافته و خبر از تک سلولهای جمهوری اسلامی هم بلافاصله به بیرون درز میکرد که فعالین داخل و خارج لحظه به لحظه از اوضاع و احوال زندانیان دربند مطلع می شدند و اقدامات هماهنگ و سازمانیافته برای آزادی دستگیرشدگان صورت میگرفت، دستگیریهای اخیر سقز نه تنها به نفع رژیم تمام نشد بلکه کاملاً به زیان آن و گامی بزرگ در پیروزی و موفقیت برای کارگران دستگیرشده، جنبش کارگری کردستان و ایران و حرکت مبارزاتی که برای آزادی دستگیرشدگان به راه افتاد به حساب می آید. اگر از مدتها قبل جریان لیبرال و اصلاح طلب فاصله میان داخل و خارج کشور را برداشته و از همدیگر حمایت و همسویی میکرد، کنفرانس مشترک برگزار میکردند و آنچه لیبرالهای داخل کشور برایشان مشکل و ناممکن بود همفکران آنان در خارج کشور برایشان انجام میدادند، دستگیریهای اخیر فعالین کارگری در شهر سقز نیز دیوار میان فعالین کارگری، چپ و سوسیالیست در داخل کشور و خارج کشور را فرو ریخت و نشان داد که چه امکانات بالفعل و بالقوه ای در خدمت به امر مبارزه کارگری در داخل و خارج وجود دارد که نیاز به هماهنگی و همسویی دارد. آنچه جنبش کارگری در داخل از انجام آن و زبان آن در محضور و محدودیت است فعالین خارج کشور به راحتی توان و ظرفیت آن را دارند. این مهم به هماهنگی و ارتباط متقابل نیاز دارد.

نکته حائز اهمیت دیگر تحکیم رابطه جنبش کارگری کردستان با جنبش کارگری سراسری در ایران است. حرکت اخیر کارگران سقز، جنبش کارگری کردستان و رهبران آن را بعنوان جنبش و رهبران طبقه کارگر ایران به افکار مترقی و تشکلات کارگری در جهان و داخل کشور معرفی کرد. این پیوند و رابطه باید تحکیم و گسترش یابد و به نتایج ملموس و عملی از جمله ایجاد تشکیلات

واحد و سراسری طبقه کارگر برای مبارزه علیه سرمایه و تحقق خواستها و مطالبات کارگری منجر شود. طی ماههای گذشته فعالین کارگری سقز در محکومیت کشتار کارگران خاتون آباد در حمایت از خواست و مطالبات کارگران ایران خودرو و در جواب به فراخوان فعالین کارگری برای دست کشیدن از کار به مدت پنج دقیقه در اعتراض به کشتار کارگران خاتون آباد کرمان، پیشقدم بودند و وحدت مبارزاتی و طبقاتی طبقه کارگر کردستان با طبقه ایران را نمایندگی کردند. اکنون که جنبش کارگری و فعالین آن در کردستان مورد فشار و تعرض جمهوری اسلامی قرار گرفته اند کارگران کردستان از هر زمان دیگری بیشتر به حمایت و پشتیبانی طبقاتی طبقه کارگر ایران و فعالین آن نیاز دارند.

همچنین حرکت اخیر نشان داد که پیشروی و گسترش جنبش انقلابی کردستان در گرو پیشروی جنبش کارگری و طرح و مطالبات آن است. اگر احزاب و جریانات بورژوازی و ناسیونالیست بادبان امید خود را به تانک و زره پوشهای آمریکایی بسته اند و برای مردم زجرکشیده کرد بی اعتباری و بدنامی در افکار مترقی جهان ثبت کرده اند آنچه که میتواند این ننگ را از پیشانی این مردم عدالتخواه بزدايد همانا جنبش رادیکال، کارگری، چپ و سوسیالیست است. مبارزه و مقاومت اخیر کارگران سقز و سمپاتی جهانی و بین المللی در دفاع از آزادی آنان این حقیقت را به وضوح به همگان نشان داد.

آنچه در اول ماه مه سقز اتفاق افتاد گامی مهم در راستای هدفی بزرگ بود که آنهم به میدان آمدن صف مستقل کارگری حول شعارها و مطالبات روشن طبقاتی است که ادامه آن را باید در اقدامات آگاهانه و متحدانه آینده در داخل و خارج کشور پیگیری کرد.

۱۷ مه ۲۰۰۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۲۹

